**عبدالله اسدی**

**چند کلمه به مناسبت روز جهانی پناهنده**

۶۵ سال پیش کنوانسیون پناهندگی سازمان ملل به تصویب مجمع عمومی این سازمان رسید. از آن تاریخ، ۲۰ ژوئن بعنوان روز جهانی پناهنده اعلام شده است و هر سال به همین مناسبت دربسیاری از نقاط مختلف جهان از این روز به اشکال گوناگون یاد می شود به این دلیل که بند ۱۳ و ۱۴اعلامیه جهانی حقوق بشر که در آن ایام مفهوم و معنای بشر دوستانه تری داشت به این موضوع اختصاص یافت.از آن موقع این بیانیه به مبنایی برای نحوه برخورد سازمان ملل و شماری از دولت ها تبدیل شد. اکنون ۶۵ سال از آن زمان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز ۲۰ ژوئن را بنام روز پناهندگان نام گذاری کرد می گذرد. امسال در شرایطی از این روز یاد می کنیم که شمار پناهندگان و آوارگان در جهان تا سطح ۶۵ میلیون نفر افزایش یافته است. پناهندگی ایرانیان عمدتا از آغاز جنگ ایران و عراق و سرکوب های خونین سال های ۶۰ و ۶۷ شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. از آن موقع که جمهوری اسلامی بر مسند قدرت نشست و برای تثبیت و تحکیم حاکمیت اسلامیشان هر آنچه که به فکر و به تجربه نسل انقلابیون آن زمان و تجربه مردم ایران نمی رسید؛ به مردم تحمیل کردند. بیش از سه دهه از تاریخ پناهندگی ایرانیان و دوران پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر سپری شده است. به این معنا ۲۰ ژوئن برای ما ایرانیان مصادف است با ۳۰ خرداد ۶۰، سالروز شروع کشتار زندانیان سیاسی و ۳۰ خرداد ۸۸ روز به گلوله بستن تظاهرات مردم در تهران و کشتن ندا آقا سلطان.

امروز ما شاهد این هستیم که در سراسر دنیا، جنگ و درگیری های خونین موجب شده است تعداد زیادی از مردم در نقاط مختلف جهان، کشور محل زندگی خود را ترک کنند و به نقاط دیگری از جهان پناه ببرند. در حال حاضر ۶۵ میلیون نفر به دلیل جنگ های ویرانگر و خشونت های غیر قابل توصیف و به دلیل آنچه که اسلام سیاسی و گروهها و دستجات جهادی از نوع داعشیان در ایران، عراق، سوریه، نیجریه، الجزایر، سومالی و پاکستان و افغانستان بر سر مردم بی دفاع آورده اند، آواره و بی خانمان شده اند. بیش از ۴۰ میلیون نفر در داخل کشور محل زندگی خود یا درکشورهای همسایه و فقرزده آواره هستند یعنی از شهری به شهر دیگر و از مرزی به مرز دیگری فرار کرده اند. میلیون ها نفر از آنها از کمترین آب آشامیدنی و غذا و سرپناه و امکانات و خدمات درمانی محرومند و به همین دلیل آمار مرگ و میر کودکان در میان آنها بسیار بالاست. بیش از ۱۸ میلیون نفر هم عمدتا در کشورهای امنتری در تبعید بسر می برند.

در همین حال، بسیاری از جنگ ها و درگیری‌های طولانی مدت سالهاست حل‌نشده باقی مانده اند و به این معنا مردمان بسیار کمتری توانسته اند به کشورها و محل زندگی خود بازگردند. در حدود ۳میلیون نفر از افغانستان،کلمبیا، کنگو، میانمار، سومالی، زیمبابوه و سودان همچنان در تبعید بسر می برند. در نیمه دوم سال ۲۰۱۵ جهان شاهد عظیمترین و کم سابقه ترین موج پناهندگی پس از جنگ جهانی دوم بود. پناهندگانی که عمدتا از سوریه و عراق و افغانستان به سوی اروپا به حرکت در آمده بودند یکبار دیگر این تاریخ را تکرار کرد. کمتر هفته ای است که شاهد صحنه های دلخراش اخبار غرق شدن ده ها و صدها پناهجو در آب های مدیترانه و دریای اژه و خفه شدن در کامیون های قاچاقچیان نباشیم. با اینحال این بار نه تنها هیچ کدام از دولت های حامی اعلامیه جهانی "حقوق" بشر و جایگاه تاریخی این اعلامیه خصوصا برای پناهندگان حرفی نمی زنند و به روی مبارکشان هم نمی آوردند، چه بسا بارها مرزها را به روی دهها هزار پناهجویی خسته و گرسنه و وحشت زده بستند. نه تنها این "حامیان حقوق بشر" در کمال بی رحمی مرزهای خود را یکی پس از دیگری بروی پناهجویان بستند، شاهد به آتش کشیدن کمپ ها و محل های موقت استقرار پناهجویان در آلمان و سوئد از سویی نژادپرستان هوادار دوران آلمان نازی هستیم. شاهد این هستیم در همین لحظات که این مطلب را به مناسبت روز جهانی پناهنده می نویسم درست در همین روز شاهد به به تصویب رسیدن سختترین قوانین و مقررات پناهندگی در کشور سوئد هستیم. شاهد این هستیم که اداره مهاجرت این کشور به هزاران متقاضی پناهندگی که پیش تر به درخواست پناهندگی آنها پاسخ منفی داده است؛ اعلام کرده که خانه ها و کمپ های پناهندگی را ترک کنند. به گفته وزیر کشور سوئد ۶۰ تا ۸۰ هزار نفر باید کشور سوئد را ترک کنند. این سخت گیری ها تبعات جنگ های ویرانگری است که از سوریه و عراق و افغانستان تا شاخ آفریقا همچنان ادامه دارد و هیچ نشانی هم برای پایان دادن به وضع موجود نیست.

دلیلش این است که به دنبال فروپاشی شوروی فاکتورهای جدیدتری وارد معادلات جهان شد و پس از آن چهره جهان پسا جنگ سرد یک دفعه دگرگون شد.از یک طرف قدرقدرتی آمریکا و سیاست ملیتاریستی و حمله به عراق و افغانستان بعنوان قطب پیروز دوران پس از جنگ سرد، و از طرف دیگر جریانات و نیروهای اسلامی ساخته و پرداخته دست آمریکا و کمپ غرب علیه شوروی سابق باهم سرشاخ شدند و آنچه که در دو دهه اخیر شاهدش بوده ایم در نتیجه ملیتاریسم آمریکا و اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه بوده است. آنها در شکل دادن به چهره دنیای پس از جنگ سرد و آن چیزی که امروز می بینیم نقش بسیار تخریب کننده و ویرانگری داشته اند. به صحنه آمدن آمریکا بعنوان تنها قدرت جهانی پس از شوروی و با استفاده کامل از قدرت تسلیحاتی و نظامی در دهه ۹۰ جامعه عراق را درهم کوبید و آن را به ویرانه تبدیل کردند. براثر این وضعیت جنگ های قومی و مذهبی و انتقام جویانه سراسر جامعه عراق را در برگرفت، به گونه ای که، به آن کشور آوارگی میلیونی تحمیل کرد و در نتیجه آن فقر و فلاکت جامعه را به کام خود فرو برد. در بطن این شرایط سیاه است که نیروهای اسلامی میداندار می شوند و دست به جنایت ۱۱ سپتامبر می زنند. این بار اتفاق ۱۱ سپتامبر زمینه حمله آمریکا و سازمان نظامی ناتو را به افغانستان نیز فراهم می کند.اینها نیروهای ساخته و پرداخته دست سازمان سیا برای ضدیت با شوری سابق بودند. وقتی که شوروی دگرگون می شود و شرایط تازه ای در سالهای پایانی جنگ سرد ایجاد می شود نیروهای اسلامی هم فرصت و امکان قدرتنمائی پیدا می کنند. اما قدرقدرتی آمریکا پس از حمله به عراق و افغانستان تضعیف می شود بطوری که نیروی های نظامی اش با تلفات زیاد در باطلاق این جنگ گرفتار می شوند، این باربسیاری از نیروها و دولت های اسلامی درکنار روسیه و علیه آمریکا قرار گرفتند و جایگاهی که آمریکا در منطقه پیدا کرده بود به میدان قدرقدرتی روسیه تبدیل شده است. در بطن چنین شرایطی است که جنبش اسلام سیاسی بنام بوکو الحرام، القاعده، النصره، الشباب، طالبان و داعش و از این قبیل گروها سر برآورده اند.

ولی با این حال لازم است یادآوری کنم که درست در حالی که بسیاری از دولت ها و احزاب دست راستی مشغول بستن مرزها به روی پناهجویان بودند و در مقطعی که تصاویر دلخراش کشف جسد ۷۱ پناهجو در کامیونی در مرز میان اتریش و مجارستان و جسد کودک سه ساله سوری در کنار ساحل ترکیه و خشونت پلیس علیه عبور پناهجویان در شبکه های اجتماعی بازتاب پیدا کرد، دهها هزار نفر از مردم سوئد و آلمان و اتریش به خیابان ها آمدند و خواستار باز شدن مرزها به روی پناهجویان شدند. خوشبختانه با همه شرایط و مقررات سختی که برای پناهندگان پیش آمده است یک جنبش عظیم بشردوستانه و مدافع حقوق پناهندگی و ضد نژادپرستی وجود دارد اما اعتراض این جنبش به شکل تاکنونی اش، جواب مقطعی که در آن قرار گرفته ایم را نمی دهد. منظورم این است که تنها دفاع این جنبش از آرمان ها و ارزش های انسانی کافی نیست باید راه حل هم داشته باشد. آمار سازمان ملل نشان می دهد که از ۵ سال پیش تا به امروز در حدود ۱۵ میلیون نفر آواره شده اند.

۳۰ خرداد ۱۳۹۵ برابر با ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶